

درس ششم

لف و نشر، تضاد پارادوکس

لف و نشر

لف در لغت به معنی «پیچیدن» و نشر به معنی «گستردن» است. در اصطلاح بدیع، هر گاه شاعر یا نویسنده دو یا چند لفظ ذکر کند، سپس دو یا چند لفظ دیگر بیاورد که هر کدام از اینها به یکی از آن لفظها مربوط شود، لف و نشر گویند. در لف و نشر معمولاً معنی بخش اول ناتمام است و نیازمند ادامهٔ مطلب؛ بنابراین ذهن شنونده در تکاپو، منتظر ادامهٔ مطلب است. با آمدن دنبالهٔ مطلب در بخش دوم، انتظار برآورده می‌شود. این تلاش ذهنی و دریافت، سبب لذت بردن خواننده می‌شود.

به نمونهٔ زیر دقت کنید:

منعم مکن از دیدن قد و رخ و چشمش

من انس به سرو و گل و بادام گرفتم

شاطر عباس صبوچی

نشرها	لفها
۱- سرو	۱- قد
۲- گل	۲- رخ
۳- بادام	۳- چشم

انواع لف و نشر:

۱ مرتب

اگر لف‌ها به صورت مرتب با نشرها مرتبط باشند، به آن لف و نشر مرتب می‌گویند. برای مثال در دو بیت زیر (منسوب به فردوسی) لف و نشر مرتب به زیبایی هر چه تمام‌تر آمده است:

به روز نبرد آن یل ارجمند به شمشیر و خنجر به گرز و کمند
برید و درید و شکست و بیست یلان را سر و سینه و پا و دست

لف‌ها	نشرها	نشرها
۱- شمشیر	۱- برید	۱- سر
۲- خنجر	۲- درید	۲- سینه
۳- گرز	۳- شکست	۳- پا
۴- کمند	۴- بیست	۴- دست

نمونه های لف و نشر مرتب

نشر ۱ نشر ۲

وز مهر و کین تو دو نمونه است شهد و سم

انوری

لف ۱ لف ۲

از عفو و خشم تو دو نمونه است روز و شب

نشر ۱ نشر ۲

لف ۱ لف ۲

لف و نشر مشوش

۲ نامرتب (مشوش)

اگر ارتباط لف‌ها با نشرها نامنظم باشد، لف و نشر نامرتب خواهد بود. برای مثال:
افروختن و سوختن و جامه دریدن پروانه ز من، شمع ز من، گل ز من آموخت

طالب آملی

لف‌ها	نشرها
۱- افروختن	۲- شمع
۲- سوختن	۱- پروانه
۳- جامه دریدن	۳- گل

روی و چشمی دارم اندر مهر او کاین گهر می‌ریزد آن زر می‌زند

سعدی

آرایه های بدیع معنوی

تضاد

تضاد

استفاده از دو واژه در سخن که از نظر معنی عکس یا ضد یکدیگر باشند یا ضد هم به حساب آیند.

به نمونه زیر توجه کنید:

گفتی به غم بنشین یا از سر جان برخیز فرمان برمت جانا، بنشینم و برخیزم

سعدی

«بنشین» با «برخیز» و «بنشینم» با «برخیزم» از نظر معنی در تضاد هستند. تقابل در معنی سبب تداعی می‌شود، ذهن از این تداعی لذت می‌برد و موسیقی معنوی بیت از مقابله این دو فعل پدید می‌آید.
یا در بیت:

اینکه گاهی می‌زدم بر آب و آتش خویش را روشنی در کار مردم بود مقصودم چو شمع

صائب

از نظر معنی و مفهوم «آب و آتش» در این بیت آرایه تضاد پدید آورده است.

سخن در میان دو دشمن چنان گوی که اگر دوست گردند، شرم زده نباشی.

گلستان سعدی

ساحل افتاده گفت: گر چه بسی زیستم
موج ز خود رفته‌ای تیز خرامید و گفت:

هیچ نه معلوم شد آه که من چیستم
هستم اگر می‌روم، گر نروم، نیستم

اقبال لاهوری

زمین را از آسمان نثار است و آسمان را از زمین غبار.

گلستان سعدی

آرایه های بدیع معنوی

پارادوکس. (تناقض. متناقض نما)

آرایه های بدیع معنوی

متناقض نما (پارادوکس)

در لغت به معنی ناسازی و نقیض هم بودن است. در اصطلاح ادبی آوردن و جمع دو واژه یا دو معنی متناقض در سخن است؛ چنان که جمع آنها در زبان محال باشد و آفریننده زیبایی شود.

به بیت زیر توجه کنید:

هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟ من در میان جمع و دلم جای دیگر است

سعدی



نمونه های تناقض

گوش ترخمی کو کز ما نظر نپوشد دست غریق یعنی فریاد بی صداییم

بیدل دهلوی

از تهی سرشار، جویبار لحظه ها جاری است.

ما با توایم و با تو نه ایم؛ اینت بوالعجب

من از آن روز که دربند توام، آزادم

می خورم جام غمی هر دم به شادی رخت

اخوان ثالث

در حلقه ایم با تو و چون حلقه بر دریم

سعدی

پادشاهم که به دست تو اسیر افتادم

سعدی

خرّم آن کس کاو بدین غم شادمانی می کند

سلمان ساوجی

نمونه های تناقض (خودارزیابی در آزمون نخواهد بود)

فلک در خاک می غلتید از شرم سرافرازی اگر می دید معراج ز پا افتادن ما را
بیدل دهلوی

عجب مدار که در عین درد خاموشم که درد یار پری چهره عین درمان است
فروغی بسطامی

چیست این سقف بلند ساده بسیار نقش هیچ دانا زین معما در جهان آگاه نیست
حافظ

آب آتش فروز، عشق آمد آتش آب سوز عشق آمد
سنایی

تفاوت تضاد و تناقض

فرق متناقض نما و تضاد

تضاد آوردن دو امر متضاد است، بدون آنکه متناقض هم باشند؛ مانند «صبح هوا سرد بود و اکنون گرم است.» اما در متناقض نما، تضاد در یک امر است؛ نه دو امر؛ مانند: «اکنون هم گرم است و هم سرد.» در حقیقت متناقض نما برانگیختن اعجاب است از راه خلاف عرف، عادت و منطق.

ما

در عصر احتمال به سر می بریم

در عصر شک و شاید

در عصر پیش بینی وضع هوا

از هر طرف که باد بیاید

در عصر قاطعیت تردید

عصر جدید

عصری که هیچ اصلی

جز اصل احتمال، یقینی نیست.

قیصر امین پور

سوال ۱

آرایه لف و نشر را در بیت های زیر با مشخص کردن لف ها و نشرها و نوع آن بیابید.

الف مستانه کاش در حرم و دیر بگذری تا قبله گاه مؤمن و ترسا کنم تو را

ب) ذکر رخ و زلف تو دلم را وردی است که صبح و شام دارد

ج (گر دهدت روزگار، دست و زبان زینهار هرچه بدانی مگوی ، هرچه توانی مکن

د دل و کشورت جمع و معمور باد زملکت پراکندگی دور باد

ه منعم مکن از دیدن قد و رخ و چشمش من انس به سرو و گل و بادام گرفتم

و روی و چشمی دارم اندر مهر او کاین گهر می ریزد آن زر می زند

ز

سوال ۲

در ابیات زیر، بخش‌هایی را که نشان دهنده آرایه‌های «تضاد» و «تناقض» است، مشخص کنید و برای تشخیص هر مورد دلیل بیاورید.

الف) تأمل‌کنان در خطا و صواب
ب) چشم دل باز کن که جان بینی

په از ژاژخایان حاضر جواب
و آن چه نادیدنی است آن بینی

ج) فلک در خاک می غلتید از شرم سرافرازی
اگر می دید معراج ز پا افتادن ما را

د) اینکه گاهی می زدم بر آب و آتش خویش را
روشنی در کار مردم بود مقصودم چو شمع

هـ) ما با توایم و باتونه ایم؛ اینت بوالعجب
در حلقه ایم با تو و چون حلقه بر دریم

و) چیست این سقف بلند ساده بسیار نقش
هیچ دانا زین معمار جهان آگاه نیست

ز) «ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی
از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل بر افروزی»

ح) «عجب مدار که در عین درد خاموشم
که درد یار پری چهره عین درمان است»

- در بیت زیر کدام آرایه ادبی وجود ندارد؟

سوال ۳

« گر ندیدی قبض و بسط عشق را / گریه می‌نا نگر خندیدن ساغر بین »
الف) تضاد ب) لف و نشر ج) تشخیص د) تناقض

- در بیت « اگر ز خلق ملامت و گر ز کرده ندامت / کشیدم، از تو کشیدم، شنیدم، از تو شنیدم »

سوال ۴

الف) « لف دوم » و « نشر اول » را نشان دهید.
ب) نوع « لف و نشر » را بنویسید.

- در کدام یک از ابیات آرایه «تناقض» و در کدام ، آرایه « تضاد » دیده می‌شود؟ دلیل تشخیص خود را بنویسید.

سوال ۵

الف) کی شود این روان من ساکن / این چنین ساکن روان که منم
ب) شادی ندارد آن که ندارد به دل غمی / آن را که نیست عالم غم، نیست عالمی